

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۹ آذر ۱۴۰۴

خطبه‌ی ولادت امام محمد باقر (ع)

حمد و سپاس ذات یکتای پروردگار را سزااست که جهان را به نور هستی آراست و انسان را به گوهر عقل و شناخت مجهّز ساخت. و سلام بر آیینی که وحی کننده‌ی آن الله بود و اجرا کننده‌ی آن بنده‌ای بود که تار و پود وجودش از انوار الهیه بود، پس آن انوار پاک تبدیل به آیینی شد که نامش دین محمد (ص) نام گرفت و درود و صلوات جاودانه بر وجود مبارک و مقدس آن بنده‌ی برگزیده و خاندان پاک و مطهرش که چراغ‌های فروزان و کشتی‌های نجات در دریای متلاطم هستی‌اند.

امشب، در سایه‌ی این دین آسمانی و در آستانه‌ی آغاز ماه رجب، ماه دعا و بازگشت و توبه، می‌خواهیم سخن از جایی بگوییم که همه چیز از آن آغاز می‌شود: قلب. نه عضوی ساده از بدن، که فرماندهی تمام وجود، سنگر ایمان و بستان معرفت همان مرکز خطیری که اگر درست هدایت شود، انسان را از طوفان شدايد می‌گذراند و اگر از دست برود، در گرداب گمراهی فرو می‌برد و این حقیقتی است که بانوی دو عالم حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) با کلام نورانی و زیبای خویش آن را این‌چنین بیان فرمودند:

انسان هنگامی که می‌خواهد سخنی بگوید که به درونش بستگی دارد، می‌گوید: «دلم» و این دل مرکز تمام احساسات انسان است که در هر موقع که اراده کند می‌تواند احساس آن را بیان کند و اگر صداقت در بیان نداشته باشد، آن مرکز، مرکز شیطان است که پایگاهی با تمام اختراعات پیشرفته دارد. وسایل و ابزارهای عصر آخر ارتباط را در لحظه‌ها هم ممکن می‌کند و بشریت به آنچه کشف نموده افتخار می‌کند، ولی غافل است از مرکزی به نام قلب که در وجود انسان تعبیه شده و آن‌چنان پیشرفته است که تا لحظه‌ی مرگ هیچ اکتشافی به پای این مرکز نخواهد رسید. به‌طور مثال وقتی دل یا همان قلب محل صدور وحی الهی شود و انسان به‌طرف اصل خود حرکت کند، امواجی که از قلب به‌طرف خالق می‌رود و برمی‌گردد، برای هیچ مغزی درکش

ممکن نیست؛ چون آنقدر سریع است که فهم آن مشکل می‌شود؛ و اگر مرکز گناه و فحشا شود، فرامین صادره از این مرکز آن‌چنان سریع عمل می‌کند که عقل در مقابلش عاجز و فهم و اندیشه جوابگوی آن نمی‌باشد؛ و این ارتباط قلبی با خالق و عالم معنا مانند اختراعات زمینی دارای کد و رمز ارتباطی است که فقط قابل استفاده‌ی خود شخص است و برای وجودهای دیگر مخفی است و دیگری نمی‌تواند از این ارتباط وارد شود و باید هر کسی خودش کد مخصوص به خود داشته باشد و اگر این کدها بسوزد، ارتباط غیرممکن می‌شود و دیگر نه صحبتی می‌شود و نه پاسخی داده می‌شود. سکوت و تنهایی و تاریکی و طوفان‌های نفس جهنم را برایش به ارمغان می‌آورد. پس معنی و مفهوم «ادعونی» در قرآن کریم داشتن کد ارتباطی است که باید اتصالاتش سالم باشد. شما در لحظاتی که خداوند را صدا می‌زنید و «یا الله» می‌گویید بایستی یقین داشته باشید که نجات دهنده فقط کسی است که شما را هدایت کرده اگر شما به خواندن خدای خود در مشکلات ایمان و یقین دارید، پس باید به پاسخ هم یقین داشته باشید تا بتوانید طوفان نفس را مهار کنید و توکلی که در قرآن کریم به آن سفارش شده بدون یقین غیرممکن است که در آن صورت آنچه انسان انجام می‌دهد فقط یک آواز بدون صداست. «یا الله» می‌گوید ولی فقط لب‌هایش تکان می‌خورد، سیم ارتباطی ندارد و اتصال صورت نمی‌گیرد. دل جلا و نورانیت الهی را از دست داده و مرکز نیمسوختی است که احتیاج به بازسازی دارد و اگر انسان در حالتی بمیرد که دل مرکزیت خود را از دست داده باشد، فقط تاریکی و سرما و بی‌کسی را درک می‌کند و نمی‌تواند تا گرمای عشق به الله را تجربه کند و عبادت می‌تواند رمز این ارتباط باشد و تقوا هزینه‌ای است که بابت این ارتباط و اتصال باید پرداخت کند در تمام شدایدی که برای انسان‌ها وجود دارد.

قرآن کریم می‌فرماید: به‌طرف پروردگار کریم بروید و خود را در معرض هلاکت نفس قرار ندهید ولی انسان‌ها در سختی‌های امتحان الهی به‌طرف غیر خدا می‌روند و در شرک و نفاق می‌افتند و شیطان دل آن‌ها را مرکز فرماندهی خود می‌کند و آنچه که مخابره می‌شود پیام‌های شیطانی است که به وجودهای دیگران مخابره می‌کند و آن‌چنان انرژی در ارتباط دارد که هنوز هیچ اختراعی به آن تفکر نکرده است پس

معنی استقامت یعنی اطاعت و معنی اطاعت یعنی توکل با یقین؛ و آنچه یاران رسولان الهی را جزء نجات یافتگان صحرای قیامت قرار داد اطاعت و یقین بود که باعث شد تا شاید دنیایی را پشت سر بگذارند و به آنچه پروردگارشان فرموده یقین داشته باشند. پس آنچه وجودها را می‌سوزاند سوختن سیم ارتباطی آنهاست که جز با تعویض چاره‌ای ندارد و با توبه مجدداً کد اتصال می‌یابد. ولی اگر بازهم از دست رفت دیگر دادن هزینه‌ی سوخت هم دردی را دوا نمی‌کند و قلب از مرکز انرژی جدا می‌شود.

آری به‌راستی که به فرموده‌ی ایشان راه نجات انسان در بازسازی قلب و زنده نگه داشتن کُد ارتباطی با خداست؛ ارتباطی که با یقین، توکل، عبادت و تقوا برقرار می‌ماند. اگر دل به نور صدق و توبه جلا نیابد، خاموش می‌شود و انسان را از سرچشمه‌ی هدایت جدا می‌سازد.

اینک در چنین شبی، دل‌هایمان را به میلاد امامی می‌سپاریم که دریچه‌های معرفت را به روی انسان گشود. میلاد امام محمد باقر (ع)، تولد آگاهی و بیداری دل‌هاست؛ امامی که آموخت ایمان بدون شناخت، استوار نمی‌ماند.

او آمد تا جهل را از دل‌ها بزداید و راه یقین را به انسان نشان دهد. لقب ایشان باقرالعلوم است. باقر یعنی کسی که زمینِ سفت را می‌شکافت تا دانه‌ای در آن بکارد. ایشان هم سینه‌ی سختِ نادانی را شکافت تا بذره‌های علم و معرفت را در دلِ مردم آن زمان و تمامِ دوران‌ها بکارد.

اینک در این شب مبارک دست به دامان پر مهر ایشان دراز می‌کنیم تا در این ماهِ رحمت، چراغِ هدایتی در مسیرِ زندگی‌مان باشد، تیرگی‌های جهل را از جانِ ما بشوید و ما را در مسیرِ رسیدن به قله‌های آگاهی و ایمان، یاری فرماید و از ایشان که شکافنده‌ی حقایق و آگاه به اسرارِ غیب است، درخواست می‌کنیم: که برای ظهورِ فرزندِ برومندشان، حضرت ولی‌عصر (عج) دعا کنند؛ تا با آمدنِ آن منجیِ موعود، جهان از سیاهیِ ظلم و نادانی رها شود و عدل و آرامش، تمامِ زمین را فرا بگیرد.

به امید اجابتش فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com